

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباید تن من میاد
پدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سرت تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

Literary-Cultural

afgazad@gmail.com

ادبي - فرهنگي

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان

بِنگِ مَگَس

هر طرف می نگرم ، موج بلا می بینم
جادرو ، پیرن و تنبان و ، عبا می بینم
ریش و پشم و (یخن چرک وزیران) ، عجا
بوی گندیده ای چون ، بیت خلا می بینم
جلو قاطر فرهنگ ، به نول زغنى
خله از شاخ بُز زاده زنا می بینم
یخن همت فرهنگی ما ، تا دامن
پاره و پوره ، ز جور علماء می بینم
ز وغای وکلا و ، ز جفای وزرا
آبروی همه ، بر باد فنا می بینم
بسی شهرت طلب و خائن و غدار و پلید
لاف خدمت زده بی شرم و حیا می بینم
غیرت (اردو) و (امنیه) ، بنازم که چو موش
ز صدای پشکی ، کرده هوا می بینم
(وردک) و (مقبل) و (قانونی گک) و (کرزی را)
وا ، ز یک بِنگِ مَگَس ، وار خطامی بینم

(رئیس‌امنیت) و (خرم) و (مسعود) و (فهیم)

زیر، هر کاسه‌ای، نیم کاسه‌رها می‌بینم
مردم از فقر و غلا، در طلب لقمه نان
نوش، جان برگ و علف، جای غذا می‌بینم
همه دانند، زبی عرضگی، اهل شقا
که ز یک فیری تقنگ، کرب و بلا می‌بینم
خرج، بیهوده، به تجلیل، چنین روز، سیه
یک معماست، که بی چون و چرا می‌بینم
«نعمتا» حیف به شعر و هنر و طبع روان
کاین همه بی صفت و، بی سر و پا می‌بینم